مدیر مدرسه زنده ماند اما معلم مدالش را نفروخت

□ علیرضا نصیری

«اینجا هنوز زنگ می‌زند اما کسی سراغ کلاس نمی‌آید. ۱۲ معلم و ۹۰ دانش‌آموز در روستای کهنه‌سنگ زندگی می‌کنند و مدرسه‌شان تا ۲ کیلومتری نزدیک‌ترین آبادی است. ۸ مهر ۱۴۰۱ در دهکده‌ی سرخه‌دره، مدرسه‌ی ابتدایی ۱۲ کلاسه‌ی «نسیم سحر» برای سومین روز پیاپی تعطیل ماند. دلیل ظاهری ساده است: سیل راه را بست و اتوبوس مدرسه در گل فرو رفت. اما ماجرا از این ساده‌تر است. معلمان می‌گویند این تعطیلی بخشی از یک فشار طولانی‌تر است که از سال ۱۴۰۰ شروع شده و هنوز ادامه دارد.

مدیر مدرسه، آقای جواد نوروزی، ۵۲ سال دارد و ۲۷ سال است که در همین روستا معلم بوده. او می‌گوید: «وقتی سیل آمد، بچه‌ها از پنجره نگاه می‌کردند و می‌پرسیدند آیا فردا زنگ می‌خورد. گفتم آری، چون اگر نگویم، امید هم می‌رود گل می‌شود.» او خودش با قایق از روستا بیرون رفت تا به بخشداری برود و گزارش بدهد. بخشدار وعده داد ظرف ۴۸ ساعت یک گروه امدادی بفرستد. تا روز سه‌شنبه هیچ گروهی نیامده بود.

اما ماجرا فقط سیل نیست. معلمان می‌گویند حقوق آبان ماه هنوز به حساب نرسیده و این تأخیر برای بسیاری یعنی قسط وام و هزینه‌ی دارو. یکی از معلمان که خواست نامش فاش نشود گفت: «من دیپلم دارم و می‌توانم جای دیگر کار کنم. اما وقتی بچه‌ها می‌آیند و می‌پرسند معلم کجاست، نمی‌خواهم بگویم رفته چون حقوقم را نداده‌اند.» این جمله در گفت‌وگو با ۷ معلم تکرار شد، با همان کلمات تقریباً یکسان.

در مقابل، اداره‌ی کل آموزش و پرورش استان کوهپایه‌زار در بیانیه‌ای گفته است که ۶۰ درصد حقوق مهر پرداخت شده و «هیچ معلمی از مهر بدون حقوق نمانده». اما معلمان می‌گویند این آمار شامل کسانی نمی‌شود که قرارداد موقت دارند و حقوقشان ماه به ماه با تأخیر می‌رسد. یکی از معلمان گفت که از ۱۲ نفر، ۴ نفر قرارداد موقت دارند و سه نفر از آنها سرپرست خانوار هستند.

پیامدها فقط آموزشی نیست. مدرسه تنها پناه گرم روستا در زمستان است. سال گذشته ۱۸ دانش‌آموز از کلاس‌های پایه‌ی پنجم و ششم به شهر رفتند تا در خوابگاه بمانند. امسال این عدد به ۲۴ رسیده است. یک مادر گفت: «دخترم می‌ترسد برگردد چون می‌گوید معلم‌ها هم گرسنه‌اند و نمی‌توانند درس بدهند.» این جمله برای خود معلمان تلخ‌تر از هر آمار است.

در مقابل، برخی معلمان می‌گویند همین وضع باعث شده جامعه‌ی روستا بفهمد مدرسه بدون معلم چه می‌شود و فشار را به مسئولان برگرداند. یکی از والدین گفت: «ما تا حالا فکر می‌کردیم معلم‌ها دارند لوس می‌شوند، حالا می‌بینیم بدون آنها هیچ چیز درست نمی‌شود.» این برگشت افکار عمومی شاید تنها نکته‌ی مثبت ماجرا باشد، اگر بتواند به فشار واقعی تبدیل شود.

اداره‌ی کل آموزش و پرورش استان کوهپایه‌زار اعلام کرده که گزارش میدانی به دفتر وزارت ارسال شده و پاسخ ظرف ۱۰ روز کاری آینده می‌آید. اما معلمان می‌گویند این زمان برای کلاس‌هایی که هر روز تعطیل می‌مانند زیاد است. پرسش اصلی این است که آیا حقوق معوق و مدرسه‌ی تعطیل می‌توانند همزمان حل شوند یا باز هم یکی قربانی دیگری می‌شود.

«نمایشگاه صنایع دستی بندر لاجوردک» ۳۲ غرفه، ۱۲ هنرمند زن و ۴ روز فروش

□ مینا رحیمی ــ بندرلاجوردک، ۹ مرداد ۱۴۰۱

«اینجا هر بافته یک داستان است. مادرها شب‌ها پشت دار می‌نشینند و دخترها صبح‌ها می‌آیند تا نخ‌ها را رنگ کنند.» این جمله را یکی از بافندگان نمایشگاه صنایع دستی بندر لاجوردک گفت و شاید بهتر از هر آمار، معنای برگزاری این نمایشگاه را نشان بدهد. ۳۲ غرفه، ۱۲ هنرمند زن و ۴ روز فروش در سالنی که تا پیش از این انبار ماهی بود، امسال میزبان صنایع دستی بندر لاجوردک است و تا روز پنجشنبه ۹ مرداد ادامه دارد.

بافندگان محلی می‌گویند بیشتر کارها سفارش‌های کوچک بوده است و بسیاری از خریداران برای اولین بار به بندر آمده‌اند. یکی از غرفه‌ها پر از سجاده‌های نماز با نقش ماهی و موج بود و فروشنده گفت در دو روز اول بیش از ۴۰ سجاده فروخته شده است. این عدد برای بازاری که معمولاً روزی چند تکه می‌فروشد، عدد کوچکی نیست.

برگزارکنندگان می‌گویند هدف فقط فروش نیست و می‌خواهند راهی برای آموزش نسل جوان پیدا کنند تا هنر مادرها از بین نرود. در کنار غرفه‌ها کلاس‌های کوتاه بافت برگزار شد و دهها نوجوان پای دار نشستند. برخی از آنها دختران همان بافندگان هستند که می‌خواهند بدانند مادرشان چرا ساعت‌ها پشت دار می‌نشیند.

با این حال، برگزارکنندگان از کمبود سرمایه‌ی بافندگان و نبود بازاریابی منظم گله دارند. بسیاری از بافندگان تا پیش از این هیچ برچسب یا بسته‌بندی برای کالای خود نداشتند و قیمت‌ها بر اساس حدس و گمان تعیین می‌شد. امسال قرار است راهنمایی ساده برای قیمت‌گذاری و برچسب‌زنی به بافندگان داده شود تا در فروش‌های بعدی با خریدار راحت‌تر حرف بزنند.

دبیر مدرسه زنده ماند اما معلم مدالش را نفروخت

□ مهرداد نیک‌پی

مدرسه‌ی دخترانه‌ی سرو کنار، روستای نارک‌بن، ۱۲ معلم دارد و ۹۰ دانش‌آموز. سیل امسال راه را بست و اتوبوس مدرسه در گل فرو رفت. اما ماجرا از سیل شروع نمی‌شود. معلمان می‌گویند حقوق آبان ماه هنوز به حساب نرسیده و برخی از آنها سرپرست خانوار هستند. این تأخیر برای بسیاری یعنی قسط وام، هزینه‌ی دارو و حمل آب است. در روستایی که نزدیک‌ترین آبادی ۲۰ کیلومتر فاصله دارد، معلم بودن معنای دیگری دارد.

دبیر مدرسه، آقای جواد نوروزی، ۵۲ سال دارد و ۲۷ سال است که در همین روستا معلم بوده. او می‌گوید: «وقتی سیل آمد، بچه‌ها از پنجره نگاه می‌کردند و می‌پرسیدند آیا فردا زنگ می‌خورد. گفتم آری، چون اگر نگویم، امید هم می‌رود گل می‌شود.» او خودش با قایق از روستا بیرون رفت تا به بخشداری برود و گزارش بدهد. بخشدار وعده داد ظرف ۴۸ ساعت یک گروه امدادی بفرستد. تا روز سه‌شنبه هیچ گروهی نیامده بود.

اما ماجرا فقط سیل نیست. معلمان می‌گویند این تعطیلی بخشی از یک فشار طولانی‌تر است که از سال ۱۴۰۰ شروع شده و هنوز ادامه دارد. یکی از معلمان که خواست نامش فاش نشود گفت: «من دیپلم دارم و می‌توانم جای دیگر کار کنم. اما وقتی بچه‌ها می‌آیند و می‌پرسند معلم کجاست، نمی‌خواهم بگویم رفته چون حقوقم را نداده‌اند.» این جمله در گفت‌وگو با ۷ معلم تکرار شد، با همان کلمات تقریباً یکسان.

در مقابل، اداره‌ی کل آموزش و پرورش استان کوهپایه‌زار در بیانیه‌ای گفته است که ۶۰ درصد حقوق مهر پرداخت شده و «هیچ معلمی از مهر بدون حقوق نمانده». اما معلمان می‌گویند این آمار شامل کسانی نمی‌شود که قرارداد موقت دارند و حقوقشان ماه به ماه با تأخیر می‌رسد. یکی از معلمان گفت که از ۱۲ نفر، ۴ نفر قرارداد موقت دارند و سه نفر از آنها سرپرست خانوار هستند.

پیامدها فقط آموزشی نیست. مدرسه تنها پناه گرم روستا در زمستان است. سال گذشته ۱۸ دانش‌آموز از کلاس‌های پایه‌ی پنجم و ششم به شهر رفتند تا در خوابگاه بمانند. امسال این عدد به ۲۴ رسیده است. یک مادر گفت: «دخترم می‌ترسد برگردد چون می‌گوید معلم‌ها هم گرسنه‌اند و نمی‌توانند درس بدهند.» این جمله برای خود معلمان تلخ‌تر از هر آمار است.

در مقابل، برخی معلمان می‌گویند همین وضع باعث شده جامعه‌ی روستا بفهمد مدرسه بدون معلم چه می‌شود و فشار را به مسئولان برگرداند. یکی از والدین گفت: «ما تا حالا فکر می‌کردیم معلم‌ها دارند لوس می‌شوند، حالا می‌بینیم بدون آنها هیچ چیز درست نمی‌شود.» این برگشت افکار عمومی شاید تنها نکته‌ی مثبت ماجرا باشد، اگر بتواند به فشار واقعی تبدیل شود.

اداره‌ی کل آموزش و پرورش استان کوهپایه‌زار اعلام کرده که گزارش میدانی به دفتر وزارت ارسال شده و پاسخ ظرف ۱۰ روز کاری آینده می‌آید. اما معلمان می‌گویند این زمان برای کلاس‌هایی که هر روز تعطیل می‌مانند زیاد است. پرسش اصلی این است که آیا حقوق معوق و مدرسه‌ی تعطیل می‌توانند همزمان حل شوند یا باز هم یکی قربانی دیگری می‌شود.

«نمایشگاه صنایع دستی بندر لاجوردک» ۳۲ غرفه، ۱۲ هنرمند زن و ۴ روز فروش

□ مینا رحیمی ــ بندرلاجوردک، ۹ مرداد ۱۴۰۱

«اینجا هر بافته یک داستان است. مادرها شب‌ها پشت دار می‌نشینند و دخترها صبح‌ها می‌آیند تا نخ‌ها را رنگ کنند.» این جمله را یکی از بافندگان نمایشگاه صنایع دستی بندر لاجوردک گفت و شاید بهتر از هر آمار، معنای برگزاری این نمایشگاه را نشان بدهد. ۳۲ غرفه، ۱۲ هنرمند زن و ۴ روز فروش در سالنی که تا پیش از این انبار ماهی بود، امسال میزبان صنایع دستی بندر لاجوردک است و تا روز پنجشنبه ۹ مرداد ادامه دارد.

بافندگان محلی می‌گویند بیشتر کارها سفارش‌های کوچک بوده است و بسیاری از خریداران برای اولین بار به بندر آمده‌اند. یکی از غرفه‌ها پر از سجاده‌های نماز با نقش ماهی و موج بود و فروشنده گفت در دو روز اول بیش از ۴۰ سجاده فروخته شده است. این عدد برای بازاری که معمولاً روزی چند تکه می‌فروشد، عدد کوچکی نیست.

برگزارکنندگان می‌گویند هدف فقط فروش نیست و می‌خواهند راهی برای آموزش نسل جوان پیدا کنند تا هنر مادرها از بین نرود. در کنار غرفه‌ها کلاس‌های کوتاه بافت برگزار شد و دهها نوجوان پای دار نشستند. برخی از آنها دختران همان بافندگان هستند که می‌خواهند بدانند مادرشان چرا ساعت‌ها پشت دار می‌نشیند.

با این حال، برگزارکنندگان از کمبود سرمایه‌ی بافندگان و نبود بازاریابی منظم گله دارند. بسیاری از بافندگان تا پیش از این هیچ برچسب یا بسته‌بندی برای کالای خود نداشتند و قیمت‌ها بر اساس حدس و گمان تعیین می‌شد. امسال قرار است راهنمایی ساده برای قیمت‌گذاری و برچسب‌زنی به بافندگان داده شود تا در فروش‌های بعدی با خریدار راحت‌تر حرف بزنند